

ساختار ژئوپلیتیکی الگوی همگرایی منطقه‌ای خاورمیانه (مطالعه موردی: کشورهای ایران، عراق و ترکیه)

سعید محمدی پور

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد اخباری^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فرهاد حمزه

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵

چکیده

منطقه غرب آسیا با تشابهات کشورهای آن در چالش‌ها و برخی قوت‌ها، ضعف‌ها و فرصت‌ها بعضاً شامل کشورهای با مختصات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و موقعیتی همگرا می‌شود. یکی از زیرمنطقه‌های این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، ترکیه است. هدف این مقاله تحلیل و بررسی ساختار ژئوپلیتیکی الگوی همگرایی منطقه‌ای خاورمیانه میان کشورهای ایران، عراق و ترکیه است. سوال اصلی مقاله این است که بر اساس واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه چه نوع الگویی می‌توان ارائه داد که ضمن تنش-زدایی به نوعی همگرایی منطقه‌ای پایدار بین سه کشور منجر گردد؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سوال در صدد تحلیل آن هستیم این است که با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه می‌توان الگویی شامل تعدیل و کاهش ضعف‌ها و تهدیدات ژئوپلیتیکی و بهره‌گیری مناسب از قوت‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی ارائه داد که ضمن تنش‌زدایی به نوعی همگرایی منطقه‌ای پایدار بین سه کشور منجر گردد. این مقاله از نظر هدف جز تحقیقات کاربردی محسوب می‌گردد. به لحاظ ماهیت و روش نیز در دسته تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. در این میان بخشی از اطلاعات از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و بخشی نیز از طریق فضای مجاز و پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی از طریق دریافت مقالات، گزارش‌ها و تحلیل‌های علمی گردآوری شده است. یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و نظرات صاحب‌نظران در این حوزه هستند نیز مورد استفاده واقع شده است. در تعیین وزن و رتبه عوامل داخلی و خارجی جهت ارائه راهبردها نیز از نظر کارشناسان و متخصصان در این حوزه بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: ساختار ژئوپلیتیکی، همگرایی، منطقه خاورمیانه، ایران، عراق، ترکیه.

مقدمه

پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران موجی از تأثیر پذیری از این انقلاب در منطقه ایجاد شد که بیش از آن‌که نتیجه سیاستگذاری باشد، ثمره طبیعی انقلاب بود. این موضوع با تحریک غرب سبب احساس نگرانی در برخی از همسایگان ایران از جمله ترکیه شد که در بلند مدت مشکلاتی را در روابط دو کشور ایجاد کرد. رسانه‌های غربی تفاوت نظام‌های سیاسی ایران و ترکیه را تضاد معرفی می‌کردند و سعی داشتند از این موضوع برای ایجاد تنش در روابط دو همسایه سود جویند. کشور عراق نیز در زمان پیروزی انقلاب در دست اقلیت عرب سنی‌مذهب به رهبری صدام حسین بود. تضاد شدید قومی و مذهبی و نیز اختلافات سرزمینی بین ایران و عراق و حمایت غرب، سبب بروز جنگ ۸ ساله بین این دو کشور بود. در این مدت کشور ترکیه تا جایی که امکان داشت، سعی نمود موضعی بی‌طرفانه اختیار نماید.

در خصوص عنصر دین باید گفت که عامل اسلام یکی از مهم‌ترین عوامل وحدت بخش کشورهای خاورمیانه است و راه نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای را می‌بندد. تلاش روزافزون و توسعه‌یافته آمریکا و اسرائیل در اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی را باید در این راستا بررسی کرد. کشورهای ترکیه و ایران نقش کلیدی در مقابله با سیاست تفرقه‌فرقه‌ای ایفا می‌نمایند. می‌توان گفت که ایران هدف اصلی آمریکا از ایجاد انشعاب مذهبی در خاورمیانه است، تا با تحریک کشورهای منطقه، ایران را در جهان اسلام منزوی نماید. از سال ۲۰۱۱ و آغاز بهار عربی، کشور ترکیه به حمایت از گروه‌های سلفی مانند داعش پرداخت و براساس تفکرات نعثمانی‌گری به سمت تقابل‌های مذهبی پیش رفت. دولت ترکیه با همراهی غرب کشورهای سوریه و عراق که دارای حاکمیت شیعی بودند را مورد تهدید و هجوم قرار داد. این امر سبب اوج‌گیری اختلافات مذهبی بین ایران و عراق از یکطرف با کشور ترکیه شد. علاوه بر این اختلافات قومی در بین این کشورها که ناشی از پان عربیزم، پان ترکیزم و پان ایرانیزم و همچنین پویش‌های قومی و استقلال‌طلبانه کردی است، زمینه را برای برخی اختلافات فراهم نمود. بنابراین در سال‌های اخیر ترکیه به صورت علنی وارد رقابت‌های مذهبی و قومی شده و بارها ایران را به شیعه‌گری و فارس‌گرایی متهم نموده است.

در این زمینه نیز کشور عراق و همچنین سوریه زمین بازی و رقابت ایران و ترکیه بودند. پیچیدگی و تنوع در ترکیب و ساختار جمعیتی عراق شکاف‌های متراکم و متداخلی را در ابعاد قومی و مذهبی در این کشور رقم زده است. در تقسیم بندی دینی - مذهبی جامعه عراق از گروه‌های شیعه، سنی، مسیحی، یزیدی و صائبی تشکیل شده است. به لحاظ قومی جامعه عراق ترکیبی از گروه‌های قومی کرد، عرب، ترکمن، آشوری و غیره است. وجود کردهای شیعه، سنی، یزیدی، مسیحی، یهودی، عرب‌های شیعه و سنی، ترکمن‌های سنی و شیعه با توجه به استقرار کردهای سنی در شمال و شمال شرق، عرب‌های سنی در مرکز و غرب، عرب‌های شیعه در جنوب، ترکمن‌های سنی در محدوده شمال شرق و شرق در هم آمیختگی مرزهای قومی را در عراق آشکار می‌سازد.

تا سال ۲۰۰۳ که دولت بعثی حاکمیت عراق را در دست داشت سیاست سرکوب شیعیان و کردها را در دستور کار داشت. دولت عرب سنی بعثی عراق در مناطق کردی کشتار و سرکوب، تعریب و مهاجرت و اخراج کردها را در پیش گرفت. مهاجرت گسترده کردها از منطقه استراتژیک و نفت خیز کرکوک بخشی از این سیاست دولت بعثی بود. روند تغییر زبان از کردی به عربی و کشتار گسترده برخی از روستاهای کردنشین نیز بخش دیگری از سیاست

این دولت بود. این مسئله سبب تنش زیاد بین اعراب و کردها شد و مسائلی مانند مسئله کرکوک و مرزهای مبهم کرد- عرب یک بستر مساعد برای بروز اختلافات ایجاد نموده است. اما در بخش مذهبی نیز سرکوب شیعیان سبب شکل گیری جریانات اعتراضی به این رویکرد دولت بعثی شد و پس از سقوط این رژیم نیز در رفتار برخی از شیعیان نمود پیدا کرد. در کل اختلافات مذهبی و قومی در داخل این کشورها یا بین این کشورها، منجر به چالش- های زیادی می‌شود. بعنوان مثال اختلاف شیعه و سنی در عراق می‌تواند بر روابط ایران و ترکیه با یکدیگر و نیز روابطشان بر عراق تأثیر بگذارد. بنابراین این اختلافات جزء ضعف‌های موجود در روابط این کشورها محسوب می‌گردد.

روابط ایران، ترکیه و عراق متأثر از عوامل مثبت و منفی است که منجر به همگرایی یا واگرایی می‌شود. این عوامل برخی ریشه در محیط داخلی و برخی ریشه در محیط پیرامونی آن دارد. در این فصل به توضیح عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) موثر بر همگرایی کشورهای ایران، ترکیه و عراق پرداخته شده است. این مقاله به دنبال تدوین الگویی مبتنی بر واقعیت‌های ژئوپولیتیکی منطقه است که ضمن کاهش تنش‌ها و چالش‌های فی مابین ایران، عراق و ترکیه به نوعی همگرایی منطقه‌ای پایدار منجر گردد. این امر می‌تواند سبب توسعه روابط سه کشور و جلوگیری از بروز تهدیدات و بحران‌های ژئوپولیتیکی در منطقه مذکور گردد. در صورت موفقیت این کشورها در دستیابی به راهبرد و الگویی همه‌جانبه که مبتنی بر واقعیت‌های ژئوپولیتیکی و منافع متقابل هر یک از آنها باشد، می‌توان به یک همگرایی پایدار بین سه کشور دست یافت که ضمن جلوگیری از آسیب‌های کنونی، زمینه را جهت همکاری موثرتر کشورهای فوق در رخدادهای منطقه فراهم میکند و بر فرآیندهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و غیره تأثیر مثبتی خواهد داشت. این امر اهمیت تحقیق حاضر را مشخص می‌سازد. این تحقیق با ارائه الگوی همگرایی منطقه‌ای براساس واقعیت‌های ژئوپولیتیکی منطقه‌ای به کمک مدل راهبردی SWOT سعی در ارائه راهکار و الگوی مناسبی جهت حل چالش‌های بین سه کشور جهت دستیابی به منافع مشترک و ملی دارد. این مقاله از نظر هدف جز تحقیقات کاربردی محسوب می‌گردد. به لحاظ ماهیت و روش نیز در دسته تحقیقات توصیفی- تحلیلی قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد نیاز مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. در این میان بخشی از اطلاعات از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها و بخشی نیز از طریق فضای مجاز و پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی از طریق دریافت مقالات، گزارش‌ها و تحلیل‌های علمی گردآوری شده است. یادداشت‌ها، مصاحبه‌ها و نظرات صاحب‌نظران در این حوزه هستند نیز مورد استفاده واقع شده است. در تعیین وزن و رتبه عوامل داخلی و خارجی جهت ارائه راهبردها نیز از نظر کارشناسان و متخصصان در این حوزه بهره گرفته شده است.

چارچوب نظری

آرمان وحدت منطقه‌ای از دیرباز الهام بخش ایده‌آلیست‌ها و جنبش‌های فکری وابسته به آن بوده است. از روزگاران قدیم فلاسفه با تکیه بر نظریه‌های اجتماعی منبعث از قانون طبیعت و تعلیمات مذهبی تشکیل جوامع بزرگ را برای نیل به وحدت نوع بشری ضروری می‌دانستند. افلاطون، طبیعت‌ناتوان انسان را موجد تشکیل جامعه، به منظور همکاری و رفع نیازهای بشری تلقی می‌کرد. ابن خلدون نیز معتقد بود، که بدون همکاری و همبستگی و تعاون،

بقای جامعه امکان پذیر نخواهد بود. یعنی بشر محکوم به همیاری در جامعه است. این اندیشمند انگیزه گرایش انسان به اجتماع را بعد از تامین نیازهای اولیه مادی، نیاز به امنیت و مصون بودن از آسیب و خطرات و تهدیدات محیط و سلطه گران می‌داند. ژان ژاک روسو در رساله قرارداد اجتماعی خود، اندیشه خیر مشترک را برای افراد جامعه مطرح می‌کند که جهت نیل به آن، همگان باید در کنار یکدیگر و با هم تلاش کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۲). در فلسفه سیاسی معاصر نیز طیف وسیعی از این نظریه پردازان قرار گرفته‌اند، که منشعب از مکاتب سیاسی کلاسیک با تعابیر و انگیزه‌های مختلف است که بنابر شرایط زمان و مکان متحول شده‌اند. در مباحث بعدی به این نظریات اشاره می‌کنیم.

اندیشمندان تئوری همگرایی، فرضیاتی را که رئالیست‌ها، در مورد سرشت رقابت‌آمیز و ستیز میان روابط دولت‌ها را به عنوان محور اساسی در نظام بین‌الملل مطرح می‌کردند، زیر سوال بردند. رئالیست‌ها در روابط بین‌الملل دولت‌ها را اصل می‌دانند و اینکه هر کشور مسئول خود است. اندیشمندان همگرایی به جای سرشت ستیزآمیز، روابط فنی، اقتصادی و اجتماعی جوامع انسانی و روابط غیر سیاسی در مرحله شکل‌گیری، محور و پایه رهیافت همگرایی قرار دادند. این نظریه بیشتر بعد از پایان جنگ سرد در عرصه روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفت. طبق این نظریه دولت‌ها داوطلبانه و خود خواسته بخشی از اقتدار خود را، در جهت رسیدن به اهداف مشترک و منافع بهتر، به یک نهاد فوق ملی واگذار می‌کنند. در واقع یکی از اهداف محوری در مطالعات بین‌المللی، تشخیص و تحلیل نیروهایی است که در ایجاد تفاهم، همبستگی و وحدت ملت‌ها و جوامع سیاسی به ایفای نقش می‌پردازند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۲۰).

ارنست هاس همگرایی را چنین تعریف می‌کند: فرایندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها به سمت مرکز جدیدی که در نهادهايش دارای اقتدار قانونی یا خواهان اختیارات قانونی دولت ملت‌ها باشد سوق دهند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲). همگرایی ممکن است هم به صورت یک فرایند و هم به صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. به عنوان یک فرایند، حرکتی است در راستای افزایش همکاری میان دولت‌ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهاى فوق ملی. همچنین به عنوان یک هدف اقدامی است، در راستای همگون سازی تدریجی ارزش‌ها و در نهایت ظهور یک جامعه مدنی جهانی. البته اگر همگرایی از طریق زور و اجبار باشد، جنبه امپریالیستی پیدا می‌کند، بنابراین همگرایی باید با خواست و اراده دولت‌ها باشد. بدین ترتیب همگرایی میان دولت‌ها، یک نوع پیکربندی جمعی از لحاظ تصمیم‌گیری را به وجود می‌آورد، که ما با روابط فرادولتی سروکار داریم تا میان دولتی، طبق این اجتماع ایجاد شده، خود را برای توزیع کالاها و خدمات میان واحدهای متشکله مسئول می‌داند (قوام، ۱۳۸۴: ۴۳).

برخی همگرایی را دارای دو بعد مثبت و منفی می‌دانند، به گونه‌ای که همگرایی منفی، به سیاست‌های رفع تبعیض و عوارض گمرکی مربوط می‌شود. همگرایی مثبت به تدوین و اجرای سیاست‌های هماهنگ مربوط می‌شود (کولایی، ۱۳۷۷: ۱۱). در جنبه مثبت کشورهایى که تولید داخلی ضعیفی دارند بشتر متضرر می‌شوند تا کشورهایی که دارای اقتصاد قوی و پیشرفته هستند. رابرت کوهین و جوزف نای طی مقاله‌ای در سال ۱۹۷۵ مفهوم وابستگی متقابل بین‌المللی و همگرایی را بسط دادند. در سال ۱۹۷۵ کتاب ارنست هاس رژیم‌ها و نهادگرایی منطقه‌ای را مطالعه کرد

و از آن تاثیر پذیرفت (عسگرخانی، ۱۸۸: ۱۳۸۱). مفهوم همگرایی عمدتاً از ۱۹۴۵ در چهارچوب منطقه‌گرایی،^۱ در اروپای غربی مطرح شد و از دهه ۱۹۵۰ بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همگرایی را به بهترین وجه به صورت یک فرایند می‌بایست تجزیه و تحلیل کرد، زیرا حرکتی است در زمینه افزایش همکاری میان دولت‌ها و واحدهای مستقل. از جمله صاحب نظرانی که همگرایی را یک فرایند، یعنی تحقق همگرایی به صورت تدریجی و با گذشت زمان می‌دانند، می‌توان به لئون لیندبرگ، ارنست هاس، یوهان گالتونگ و غیره اشاره کرد. در مقابل اتزیونی و فدرال‌گرایان (فردریش و رایکر) همگرایی را محصول نهایی فعل و انفعالات چندین واحد سیاسی تلقی می‌کنند. اتزیونی معتقد است که همگرایی سیاسی یک وضعیت نهایی و وحدت سیاسی فرایندی است که در نتیجه به همگرایی سیاسی مبدل می‌شود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۶۶۹). از لحاظ سطح تحلیل سه سطح را می‌بایست برای مطالعات همگرایی در روابط بین الملل در نظر گرفت. سطح اول: همگرایی در سطح نظام، که اشاره به فرایندی دارد که طی آن دولت‌ها بخشی از اقتدار و قدرت تصمیم‌گیری خود را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می‌دهند، که باعث بالا بردن کارایی تصمیم‌گیری بر پایه رفتارهای جمعی می‌شود. برای مثال می‌توان سازمان ملل را در این سطح قرار داد. سطح دوم: سطح همگرایی منطقه‌ای است که به موجب آن، تعدادی از دولت‌هایی که در مجاورت با یکدیگر قرار دارند گرد هم آمده، و یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند. سطح سوم: ارتباط مستقیم به ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها بستگی دارد. هرچه واحدهای سیاسی از درجه بالای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره برخوردار باشد، بر میزان همگرایی تاثیر زیادی دارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). اندیشمندان پیرامون نحوه جابجایی و سپردن نهادهای تصمیم‌گیری مستقل دولتی به یک نهاد منطقه‌ای و فراملی اختلاف نظر دارند. این تفاوت دیدگاه‌ها شامل دو مفهومی است که از همگرایی برداشت می‌شود، چرا که بعضی از اندیشمندان به همگرایی به عنوان یک فرایند می‌نگرند و برخی آنرا یک وضعیت تلقی می‌کنند. ولی با وجود چنین اختلافاتی، اکثر کارشناسان بر این مسئله اشتراک نظر دارند که همگرایی را می‌توان فرایندی تلقی نمود که واحدهای سیاسی جدا و مستقل از یکدیگر به طور داوطلبانه، در مراحل اولیه بخشی از اقتدار خود و در نهایت از تمام اقتدار خود در جهت رسیدن به هدف‌های مشترک و کسب منافع، صرف نظر می‌کنند، تا از یک نهاد فوق ملی و منطقه‌ای پیروی نمایند. ارنست هاس همگرایی را یک فراگرد می‌داند که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل هر کشوری به این درک می‌رسند که منافع آن‌ها در وحدت و تاسیس مرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (Hass, 1958: 16). بنابراین همگرایی متغیری وابسته است که از طریق مجموعه‌ای از علل و شرایط به وجود می‌آید و کشورها را از حالت خودمحوری (دولت محوری) به حالت تجمع‌گرایی (نهاد محوری منطقه‌ای) سوق می‌دهد. این فرایندی یکپارچه و پویا می‌باشد و مرحله به مرحله طی می‌شود.

^۱ - regionalism

انواع همگرایی

الف: همگرایی سیاسی

به هماهنگی در زمینه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری واحدهای مختلف اطلاق می‌شود.

ب: همگرایی اجتماعی

این نوع از همگرایی پیش زمینه و تسهیل کننده همگرایی‌های سیاسی و اقتصادی می باشد. نظریه پردازانی چون کوهن و نای، برای توسعه ارتباطات اجتماعی، بیش از عوامل دیگر در تحقق همگرایی اهمیت قائل‌اند. اندیشمندانی چون کارل دویچ، توسعه مبادلات اجتماعی را در ایجاد هویت نزدیک، تصور منافع مشترک و پیوند جامعه موثر می‌دانند. در واقع از نظر دویچ همگرایی اجتماعی بیشتر به ارتباطات فردی شامل توریسم، ارتباطات فرهنگی، تجارت و غیره اشاره می‌کند.

ج: همگرایی اقتصادی:

این برداشت از همگرایی، بیشتر به مسایل اقتصادی، در چهارچوب ایجاد اتحادیه‌های گمرکی و وضع تعرفه‌های خاص در روابط کشورهای عضو یک اتحادیه اقتصادی مربوط می‌شود، و از این مدل به عنوان عاملی برای رشد اقتصادی جوامع یاد می‌شود، و به افزایش روابط اقتصادی و تجاری بین کشورها مثل جریان آزاد سرمایه و نیروی کار تاکید دارند.

مفروضه‌های همگرایی

نخستین مفروض همگرایی اصل تسری می‌باشد. یعنی نوعی منطق تدریج گرایی فزاینده بر رفتار بشر حاکم است. توجه واقع‌گرایانه این نظریه به ناتوانی انسان در رفع نیازهای اجتماعی و تلفیق آن با آرمان‌گرایی در این نظریه، موجب پیدایش این ایده می‌شود که به تدریج جوامع ملی را فرا می‌گیرد و دامنه فعالیت مشترک اعضا افزایش می‌یابد که نتیجتاً باعث تامین منافع اعضا می‌شود. دومین مفروضه همگرایی منطقه‌ای پیوند مسایل فنی و اقتصادی با مسایل سیاسی است. یعنی همگرایی با مسایل غیر سیاسی و فنی شروع می‌شود، مثل بازرگانی و سپس به حوزه‌های دیگر کشیده می‌شود. در بین نظریه‌پردازان همگرایی، فقط میترانی تفاوتی بین مسایل فنی و سیاسی قائل نیست، در حالیکه دیگر نظریه‌پردازان نوکارکردگرا به تفکیک این مسایل از یکدیگرند و امیدوارند که همکاری فنی سرانجام زمینه را برای همکاری سیاسی و همگرایی فراهم کند. سومین فرض اینست که همگرایی منطقه‌ای از اهمیت جغرافیایی ناشی می‌شود. این دسته از نظریه‌پردازان میان مناطق جغرافیایی، فرهنگی با گرایش به همگرایی نوعی پیوند قائل‌اند. به نظر این دسته از اندیشمندان، زمانیکه تجانس‌های جغرافیایی، فرهنگی با مشترکات کارکردی و فنی عجین شود زمینه را برای هم‌گرایی فراهم می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

همگرایی منطقه‌ای

در کنار اصطلاح منطقه‌گرایی، اصطلاح «همگرایی منطقه‌ای» نیز معنایی مترادف را به ذهن تداعی می‌کند. نقطه ثقل مفهوم همگرایی منطقه‌ای، مفهوم «فوق ملی‌گرایی» است که ارنست‌هاس آن را اینگونه تعریف کرده است: «نوعی اجتماع یا تجمع که در آن قدرت بیش از آنچه به سازمان‌های بین‌المللی ستیزه‌جو داده شود، به مرکز اعطا شده

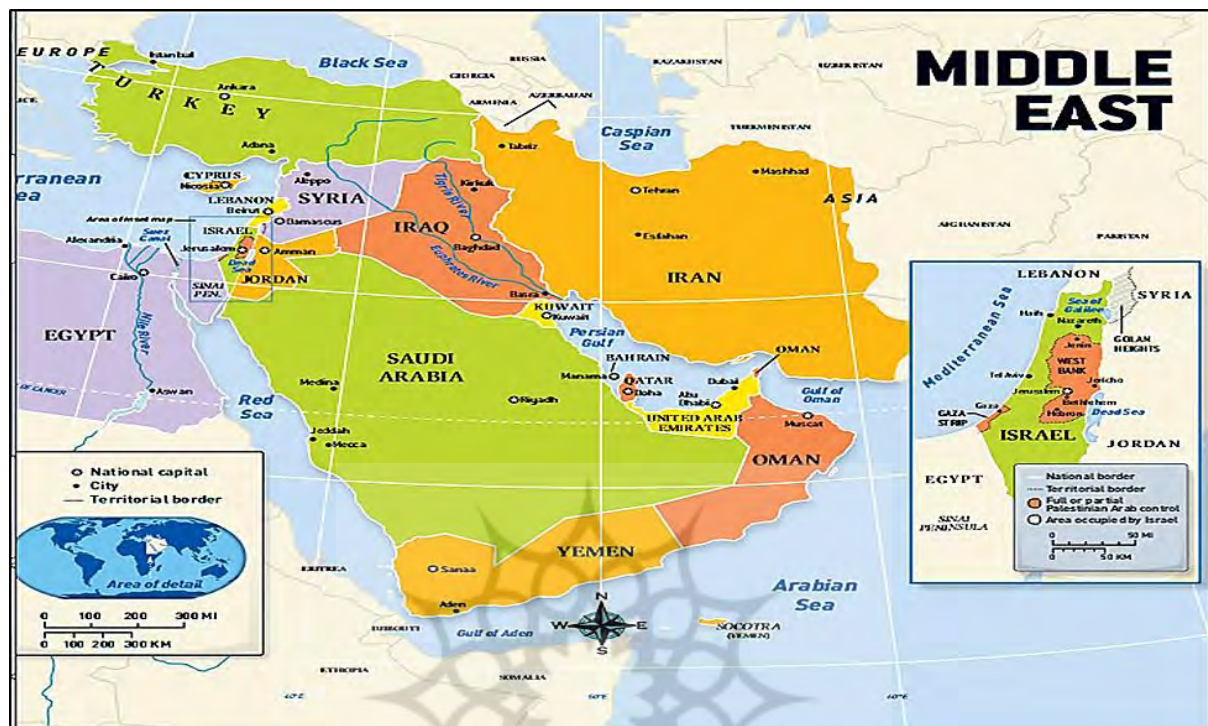
است.» اگرچه این تعریف، چه بسا در نگاه نخست، تناقض آمیز به نظر برسد، اما با التفات به این نکته که هاس مفهوم فوق ملی‌گرایی را با اشاره به سیستم‌های فدرال بازنمایی کرده است، دریافته می‌شود که فدراسیون به حکومتی اطلاق می‌گردد که حاکمیت و قدرت سیاسی را به نحوی میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی تقسیم می‌نماید که هر یک در محدوده قلمرو خودشان مستقل از دیگران باشند. با چنین پیش‌فرضی، هاس به عنوان مبدع تئوری همگرایی، آن را پروسه‌ای می‌داند «که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات دولت‌های ملی باشد، سوق دهند.» بنابراین همگرایی به معنای ترکیب و ادغام اجزاء در یک کل است و با یکسان‌سازی سیاست‌های اقتصادی و سیاسی بازیگران در قبال یکدیگر، به نوعی آزادسازی تبعیض آمیز تجارت منجر می‌گردد. هدف اساسی همگرایی اقتصادی، آزادسازی تجاری است و در کنار آن به «گسترش تولید جهانی و بالطبع آن تخصص در تولید داخلی، کسب درآمدهای ارزی، کاهش هزینه‌های تولید در سطح منطقه، افزایش تجارت، صرفه‌جویی در منابع کمیاب داخلی، توزیع بهینه درآمد، افزایش کارایی در تولید و تجارت، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و استفاده از مزیت‌های نسبی» یاری می‌رساند.

همان‌گونه که از تعریف هاس بر می‌آید، همگرایی، بیشتر از آنکه هدف باشد، روندی است که یک سوی آن ادغام اقتصادی و سوی دیگرش اتحاد سیاسی و اتخاذ رویه‌های مشترک در سیاست‌های خارجی و امنیتی است. البته در دنیای واقعیت، حرکت از هر دو سوی طیف به سمت دیگر، تجربه شده است. اتحادیه اروپا در آغاز اهدافی صرفاً اقتصادی را دنبال می‌کرد، اما به تدریج در مسائل سیاسی نیز وارد شد. برعکس آن، آسه‌آن، در ابتدا اهداف سیاسی و امنیتی را دنبال می‌نمود، ولی بعدها همکاری‌های اقتصادی را به سیاهه همکاری‌ها افزود، به نحوی که پس از امضای موافقتنامه تجاری در سال ۲۰۰۵ میلادی و خدمات در سال ۲۰۰۷ میلادی، میان چین و آسه‌آن، حجم مبادلات تجاری به یک هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. در حال حاضر و به خصوص با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی و جنگ سرد، آنچه بیشتر پیمان‌های منطقه‌گرایانه را به پدیده‌ای جذاب بدل می‌کند، دو اصل اقتصادی مغایر تجارت آزاد و سیاست‌های حمایتی است. به همین دلیل «از ابتدای دهه ۹۰ تاکنون روند اصلاح قوانین و مقررات مربوط به ترتیبات تجاری بلوک‌های منطقه‌ای بیشترین وقت رهبران سیاسی و اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است».

منطقه مورد مطالعه

کشورهای خاورمیانه حدوداً بین عرض‌های ۲۰ و ۴۰ شمالی در یک منطقه انتقالی بین آب و هوای استوایی و عرض متوسط قرار گرفته‌اند. این منطقه با حدود دوازده میلیون کیلومتر مربع مساحت (۱۰٪ وسعت زمین) ۳۰۰ میلیون نفر سکنه دارد که معادل ۵٪ سکنه جهان را تشکیل می‌دهد. در تعریف دیگر، امروزه؛ اصطلاح خاورمیانه به گسترده پهنای از شمال تا شبه قاره هند و از قفقاز تا دریای سرخ و ماورای آن اطلاق می‌شود که ۲۲ کشور با حدود ۳۰۰ میلیون جمعیت از نژادهای مختلف را شامل می‌شود. ۹۳ درصد این منطقه مسلمان هستند و حدود ۵۷ درصد ساکنان چین منطقه‌ای به زبان عربی صحبت می‌کنند. فرهنگ این منطقه به طور بنیادی اسلام است. اصطلاح خاورمیانه را برای نخستین بار آمریکاییها به کار برداند و منظور آنها از خاورمیانه منطقه اطراف خلیج همیشه فارس

بوده است منظور از خاورمیانه این است که چون از قاره اروپا به آسیا نگاه کنیم این منطقه نه خاور نزدیک است و نه خاور دور لذا این منطقه را میدل ایست^۱ نامیدند و نویسندگان عرب آن واژه را الشرق الاوسط نامیدند و در فارسی خاورمیانه نامیده شد.



نقشه ۱: منطقه خاورمیانه

منبع: (<https://www.pinterest.com>)

خاورمیانه از میانه قرن بیستم، مرکز توجه جهانی و شاید حساسترین منطقه جهان از نظر استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است خاورمیانه زادگاه ادیان مهمی چون یهودیت، مسیحیت، اسلام، و ادیان غیر ابراهیمی مثل دین زرتشتی، آیین مهر و مانوی است. برخی جغرافی دانان کشورهای شمال و شرق آفریقا را نیز جزو کشورهای خاورمیانه می دانند و عده ای دیگر نیز کشورهایی مانند پاکستان و افغانستان را از کشورهای خاورمیانه به حساب می آورند. بنابراین، تعریف ثابتی از این منطقه در ترکیب کشورها وجود ندارد، ولی به طور کلی کشورهای این منطقه عبارتند از: اردن، امارات متحده عربی، ایران، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر، یمن و دو کشور اسرائیل و فلسطین که دربرگیرنده ناحیه‌های باخترود اردن و نوار غزه است. کشورهای غربی این منطقه (الجزایر، تونس، لیبی و مراکش) به دلیل وابستگی شدید تاریخی و فرهنگی بیشتر بخشی از خاورمیانه شمرده می‌شوند. سودان نیز یکی از این کشورها به شمار می‌آید. کشورهای افریقایی موریتانی و سومالی نیز پیوندهایی با خاورمیانه دارند. ترکیه و قبرس که از نظر جغرافیایی درون و یا نزدیک این منطقه هستند، خود را بخشی از اروپا می‌دانند. ایران را مرز خاوری خاورمیانه می‌انگارند، البته گاهی افغانستان را نیز از کشورهای این بخش بندی به شمار می‌آورند. به این ترتیب، بیش از یک پنجم جمعیت کره زمین در قلمرو خاورمیانه زندگی می‌کنند.

¹. Middle East

ایران با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت (هفدهم درجهان) و بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر جمعیت (هفدهم درجهان) است. ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به دریای خزر (کاسپین) و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود، که دو منطقه نخست از مناطق مهم استخراج نفت و گاز در جهان هستند. ایران در قلب خاورمیانه همچون پلی دریای مازندران بزرگترین دریاچه جهان را به خلیج فارس و دریای عمان، از شمال به جنوب وصل میکند و گذرگاهی است برای ارتباطات فرهنگی - سیاسی دنیای شرق و غرب.



نقشه ۲: کشور ایران

منبع (https://slideplayer.com)

عراق جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. این سرزمین را از آن جهت عراق نامیده‌اند که از دیگر سرزمین‌های عربی پست‌تر و در نزدیکی دریاست. کلمهٔ عراق را از عراق القریه گرفته‌اند؛ یعنی مشکی که پایین آن سوراخ است. برخی نیز گفته‌اند عراق جمع عرق است؛ به معنای ساحل دریا و منظور از آن، ساحل دجله و فرات است که به هنگام مدّ به سطح دریا می‌رسد و به آن وصل می‌شود. برخی دیگر معتقدند که از عروق الشجر (ریشه‌های درخت) گرفته شده است به همین سبب در زبان انگلیسی آن را ایراک تلفظ می‌کنند؛ به معنای جای پر نخل و درخت، که برگرفته از کلمه فارسی «ایراه» است. سرزمین عراق به لحاظ جغرافیایی، شامل سه منطقه است: ۱ - استپ و بیابان (در جنوب و غرب) ۲ - زمین‌های پست و دشت‌های دجله و فرات (دیوار بکر و آرات) ۳ - ناحیه‌های کوهستانی (در شمال و شمال شرق). عراق در بخش جنوبی خود، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و دو رود مشهور دجله و فرات که سرآغاز تمدن‌های باستانی بین‌النهرین در طول تاریخ کهن این کشورند از شمال کشور به جنوب آن روان هستند. وسعت عراق ۴۳۸۰۳۱۷ کیلومتر مربع (۱۵۸م، نزدیک به یک چهارم ایران) است. بیشتر سرزمین عراق پست و هموار و گرمسیری است. غرب عراق کویر است و شرق آن جلگه‌های حاصلخیز؛ ولی بخشی از کردستان عراق (شمال شرق) کوهستانی و سردسیر می‌باشد. همچنین عراق یکی از بزرگترین کشورهای دارای منابع نفت می‌باشد. این کشور دارای ۱۴۳ میلیارد بشکه ذخایر تایید شده نفتی می‌باشد. در تقسیم بندی اداری، امروزه عراق به سیزده لواء (استان) و

سه بادیه (منطقه صحرائی) تقسیم می‌شود. شهرهای عمده آن عبارتند از: بغداد، موصل، بصره، کرکوک، کربلا، نجف، حلّه، ناصریه، سلیمانیه. عراق با ۳۲۵۸۵۶۹۲ نفر (آمار ژوئیه ۲۰۱۴) جمعیت چهلمین کشور پرجمعیت جهان است. عرب‌ها ۷۵ درصد-۸۰ درصد، کردها ۱۵ درصد-۲۰ درصد، ترکمنان، آشوریان و غیره نزدیک ۵ درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. همچنین حدود ۶۰ درصد-۶۵ درصد مردم عراق شیعه، ۳۲ درصد-۳۷ درصد سنی و ۳ درصد مسیحی و پیروان دیگر ادیان هستند.



نقشه ۳: موقعیت کشور عراق

منبع: (<https://www.maps.com>)

ترکیه کشوری اوراسیایی است که بخش بزرگ کشور یعنی آناتولی یا آسیای کوچک در شمال غرب آسیا و خاورمیانه واقع است و بخش کوچکی نیز به نام تراکیه در منطقه بالکان (منطقه‌ای در جنوب شرق اروپا) قرار دارد. ترکیه در شرق با کشورهای ایران، نخجوان، ارمنستان، و گرجستان؛ در جنوب شرقی با عراق و سوریه؛ و در شمال غربی (بخش اروپایی) با بلغارستان و یونان همسایه است. همچنین ترکیه از شمال با دریای سیاه، از غرب با دو دریای کوچک مرمره و اژه و از جنوب غرب با دریای مدیترانه مرز آبی دارد. دو تنگه راهبردی بسفر و داردانل نیز در اختیار ترکیه است. وسعت ترکیه ۷۸۳٬۵۶۲ کیلومتر مربع (سی و هفتم) است. ترکیه کشوری کوهستانی و نسبتاً پرباران است. شکل این کشور مانند یک مستطیل است که از سوی شرق و غرب امتداد یافته است. ترکیه با قرار گرفتن در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان، دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی و بسیار خوبی است و گذرگاه شمال غرب آسیا و اروپا به شمار می‌آید. جمعیت کشور ترکیه حدود ۸۲ میلیون نفر (برآورد ۲۰۱۸) می‌باشد، که حدوداً ۷۵ تا ۸۵ درصد مردم سنی و ۱۵ تا ۲۵ درصد هم علوی هستند. حکومت ترکیه لائیک است ولی بسیاری از مردم به دین اسلام پایبند هستند و عید فطر و عید قربان در این کشور تعطیل رسمی است. همچنین ترکیب نژادی در ترکیه حدود ۷۰ درصد-۷۵ درصد مردم ترک، ۱۸ درصد کرد و ۷ درصد-۱۲ درصد را سایر باشندگان قومی ترکیه تشکیل می‌دهند. ترکیه شش همسایه آسیایی و دو همسایه اروپایی دارد. کشورهای هم‌مرز ترکیه عبارتند از: در شرق با ایران ۴۹۹ کیلومتر، جمهوری آذربایجان ۹ کیلومتر، ارمنستان ۲۶۸ کیلومتر، و گرجستان ۲۵۲ کیلومتر؛ در جنوب شرقی با عراق ۳۵۲ کیلومتر و سوریه ۸۲۲ کیلومتر؛ در شمال غربی با یونان ۲۰۶

کیلومتر و بلغارستان ۲۴۰ کیلومتر. کشور ترکیه ۸۱ استان دارد. مراکز همه استان‌ها به جز سه استان با خود استان همنام هستند. سه استان نامبرده عبارت‌اند از: ختای (مرکز: انتاکیه)، کوجالی (مرکز: ایزمیت)، سقاریه (مرکز: آداپازاری). هر کدام از استان‌های ترکیه به چندین بخش تقسیم شده‌است.



نقشه ۳: کشور ترکیه

منبع: (<http://themechanicredwoodcity.com>)

تحلیل یافته‌ها

- عوامل داخلی

۱- ضعف‌ها

- اختلافات در ایدئولوژی حکومت

کشورهای ایران و عراق دارای ایدئولوژی متأثر از انقلاب اسلامی ایران و تفکرات شیعی هستند. کشور ترکیه نیز به نوعی اسلام اعتدالی سنی در کشور خود عمل می‌نماید، اما در صورت کلی حامی جریانات اخوانی در جهت بازسازی نفوذ امپراتوری عثمانی است. از منظر ساختاری نیز ایران و ترکیه مروج دو نوع الگوی متمایز در خاورمیانه هستند، یکی الگوی اسلام اعتدالی و حمایت از جریانات اخوانی را دنبال می‌کند و دیگری در پی الگوی اسلامی دینی شیعی در منطقه است. ترکیه نوعی سنی‌گرایی را به مثابه ابزار سیاست خارجی خود مورد توجه قرار داده و ایران گرایش شیعی را در سیاست خارجی دنبال می‌کند. با توجه به این مجموعه عوامل ساختاری و نیز سابقه تاریخی، به نظر می‌رسد رقابت جدی میان دو کشور حل نشدنی است.

- تروریسم قومی و مذهبی

در رابطه با مسئله تروریسم مذهبی و قومی باید گفت، کشورهای ایران و ترکیه به دلیل ساختار جغرافیای فرهنگی و اجتماعی خاص کمتر درگیر مسائل تروریستی مرتبط با مذهب در درون خود بوده‌اند. روند مدرنیسم در درون ایران و ترکیه از حدود ۱۰۰ سال پیش و استقرار حکومت‌هایی چون صفویه و عثمانی در ایران و ترکیه، به ساخت جامعه مذهبی متعادلی منجر شد که کمتر به کشورهای مضمحل مانند افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه و حتی حوزه

خلیج فارس شباهت دارد. هرچند با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان از سال ۲۰۰۲ و مداخلات ایدئولوژیک این جریان در عراق و سوریه در سال ۲۰۱۱ در حمایت از گروه‌های سلفی سبب افزایش تهدیدات تروریسم مذهبی حتی در خود ترکیه نیز گشت، اما به صورت کلی جامعه ایران و ترکیه کمتر درگیر مسائل افراط‌گرایی مذهبی هستند. در این میان کشور عراق به دلیل عدم دولت-ملت‌سازی و ساختار اجتماعی و فرهنگی شکننده، عدم رشد مدرنیسم و ضعف دولت مرکزی محلی برای قدرت‌نمایی گروه‌های تروریستی مذهبی مانند القاعده و اخیراً داعش و نیز تروریست‌های قوم‌گرا مانند پ.ک.ک بوده است که این مسئله به صورت مستقیم بر امنیت ایران و ترکیه نیز اثر می‌گذارد. بنابراین همسایگی عراق با ایران و ترکیه تهدیدات تروریسم مذهبی و قومی را متوجه این کشورها هم نموده است. بویژه اینکه تروریسم قومی در ترکیه با شدت زیاد و در ایران در سالهای اخیر با تهدید کمتری وجود دارد که نقطه تغذیه و لجستیک این جریانات کردستان عراق بوده است (سلیمانی، ۱۳۹۴/۰۸/۰۸).

- مسئله کردها

کشورهای ایران، ترکیه و عراق به عنوان کشورهایی که به همراه سوریه دارای اقلیت‌های کردزبان هستند همیشه با چالش مسائل استقلال‌طلبانه اکراد و نیز تهدیدات امنیتی گروه‌های شبه‌نظامی و جدایی‌طلب کرد مانند پ.ک.ک و پژاک، حزب دموکرات و کومله و غیره مواجه‌اند. در این میان کشور عراق در مسیری قرار گرفت که خودمختاری کردها از سال ۱۹۹۳ به صورت نسبی رقم خورد و با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ این خودمختاری محرز شد. هم‌اکنون کردهای عراق دارای سیستم مستقل اقتصادی و ارتشی قابل توجه در عراق هستند و در نتیجه کردستان عراق به مرکز توجه و نگرانی سایر کشورهای تهدیدشونده بویژه ایران و ترکیه مبدل شده است. هر دو کشور ایران و ترکیه تهدیدهای مشترکی را از جانب شبه‌نظامیان تروریستی احساس می‌کنند.

- محیط‌زیست و هیدروپلیتیک

بحران محیط‌زیست و آب در خاورمیانه در سال‌های آتی به یک تهدید جدی امنیتی و تمدنی تبدیل خواهد شد. بحرانی که در چند دهه قبل به یک شوخی رسانه‌ای شباهت بسیاری داشت، الان می‌رود که به یک واقعیت و سرنوشت محتوم برای منطقه تبدیل شود. بحران آب اگر نتواند به‌درستی کنترل و مدیریت شود، نظم سیاسی موجود در خاورمیانه برهم خواهد خورد. از درون بحران آب و مسائل زیست‌محیطی آن چه‌بسا زوال تمدن‌ها رقم بخورد و منازعات قومی و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای شکل گیرد. عراق، سوریه، ایران و ترکیه در مرکز این مناقشات منطقه‌ای می‌توانند قرار گیرند.

ترکیه بالاترین متوسط بارش سالانه (۵۹۳ میلی‌متر) و بالاترین سرانه آب قابل‌دسترس (۲۹۴۷ مترمکعب) را در بین کشورهای منطقه به خود اختصاص داده است. عراق با وجود اینکه ۰/۳۶ بارش سالانه ترکیه را دارد، سرانه آب قابل‌دسترس آن ۰/۳۴ ترکیه است. یعنی برخلاف ایران، نسبت سرانه آب آن از نسبت بارش سالانه آن کمتر است که به دلیل عدم مدیریت صحیح منابع آب در این کشور است. گمان می‌رود با احداث سد ایلی‌سو، نسبت سرانه آب قابل‌دسترس عراق از مقدار فعلی هم پایین‌تر برود؛ همان‌طوری که با احداث سد آتاترک، سوریه در وضع بحرانی

قرار گرفت. ترکیه با داشتن منابع آب نسبتاً غنی در بالادست دجله و فرات با اقدامات پیش‌دستانه قصد دارد به‌صورت ماهرانه‌ای از مشکلات ناشی از بحران آب و خشک‌سالی‌ها در امان بماند. اما کشورهای پایین‌دست دجله و فرات مخصوصاً عراق و سوریه به علت عدم وجود برنامه‌های مدیریتی منابع آب و سیاست‌های کلان توسعه‌ای از سوئی و درگیری‌های داخلی ناشی از تنش‌های مذهبی و قومی از سوئی دیگر بیش از بقیه کشورها در معرض تهدید قرار دارند.

۲- قوت‌ها

-نیاز متقابل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی

کشورهای ایران، ترکیه و عراق به دلیل همجواری و قرارگیری در یک منطقه مشترک و برخورداری ایران و عراق از انرژی‌های عظیم فسیلی و نیز موقعیت و بازار مصرف ترکیه، این کشورها را به لحاظ ژئواکونومیک نیز به یکدیگر وابسته نموده است. همانطور که در مسائل ژئوپلیتیکی مانند مسائل کردی و بنیادگرایی سلفی و حضور قدرت‌های بزرگ، ایران، ترکیه و عراق دارای منافع مشترک و تهدیدات مشترک هستند، در زمینه اقتصادی و ژئواکونومی نیز این کشورها وجوه اشتراک زیادی دارند. بررسی آمار و ارقام مبادلات تجاری ایران و ترکیه از شروع دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه مبین افزایش بسیار زیاد روند رشد در حجم مبادلات تجاری دو کشور است. از سال ۲۰۰۲ در روابط اقتصادی بین ایران و ترکیه ظرفیت‌های زیادی برای همکاری بیشتری ایجاد شد. طبق آمارهای رسمی نهادهای اقتصادی ترکیه حجم تجارت خارجی دو کشور در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۲/۴ میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۲ نزدیک ۲۲ میلیارد دلار رسیده است. اما اعمال تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا و کاهش درآمد‌های نفتی ایران باعث شد تا این رقم در سال ۲۰۱۳ به کمتر از ۱۴/۵ میلیارد دلار کاهش یابد.

- همجواری

اصل همجواری در سیاست خارجی به عنوان یک محرک مهم ژئوپلیتیکی، نقش مهمی در روابط مثبت و منفی کشورها بازی می‌کند. همجواری دو یا چند کشور و داشتن مرزها و حریم مشترک خود به خود سبب شکل‌گیری مسائل مشترک در حوزه‌های اقتصادی، ژئواکونومی و دسترسی، مسائل جغرافیای فرهنگی و اجتماعی، مباحث مذهبی و ایدئولوژیک، محیط‌زیستی و انرژی و نیز تروریزم می‌شود. کشورهای ایران، ترکیه و عراق نیز دارای مرز مشترک قابل توجهی با یکدیگر هستند. جالب توجه اینکه ایران، ترکیه و عراق هر سه دارای یک نقطه مشترک مرزی در کوه‌های دالامپرداغ با یکدیگر نیز هستند. این مسئله به اصل همجواری به عنوان عامل مهم در روابط این کشورها دامن می‌زند. مسائلی مانند دسترسی و ترانزیت، مسیرهای دارای صرفه اقتصادی، بازار مصرف، انرژی، تهدیدات کردها و نیز جریان‌ات سلفی، پیوستگی‌های تاریخی و فرهنگی و همچنین تهدیدات محیط‌زیستی و هیدروپلیتیک، ناشی از همجواری مرزی و منطقه‌ای این سه کشور است. بنابراین باید گفت که رفاه اقتصادی و امنیت و منافع ملی ایران، ترکیه و عراق به صورت جبری در ارتباط غیر قابل چشم‌پوشی با یکدیگر قرار دارد. در این میان کشور عراق به دلیل رخداد‌های سال‌های دهه ۱۹۹۰ و جنگ اول خلیج فارس و نیز جنگ دوم خلیج فارس و سقوط حکومت

مرکزی آن در سال ۲۰۰۳ و حرکت این کشور به سمت نظام فدرالی و تضعیف حکومت مرکزی آن، به چالش مشترکی برای امنیت ملی ایران و ترکیه به دلیل همجواری با این کشور تبدیل شده است.

- اشتراکات فرهنگی و تاریخی

کشور ترکیه و ایران دارای اشتراکات عمیق فرهنگی و تاریخی هستند. زمانی خاک ترکیه بخشی از امپراتوری بزرگ ایران در دوران باستان بوده است. امروزه کردها به عنوان یک قوم ایرانی درصد قابل توجهی از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند و زبان جمعیت قابل توجهی از کشور ایران نیز ترکی آذری است. بخش زیادی از مردم ایران با زبان ترکی آشنایی دارند و در اثر مراودات تاریخی در دوره اسلام نیز همیشه این وابستگی‌های فرهنگی و زبانی و تاریخی ادامه یافته است. زبان فارسی در دوره عثمانی دارای جایگاه والایی در این امپراتوری بوده و هنوز نگاره‌ها و آثاری با زبان و خط فارسی در استانبول و میادین قدیمی آن قابل مشاهده است. بیش از ۶ هزار واژه فارسی در زبان ترکی استانبولی وجود دارد. زبان فارسی نیز حاوی واژگان زیادی از زبان ترکی است. وجود شعرای بزرگ فارسی-زبان مانند مولانا جلال‌الدین بلخی در شهر قونیه ترکیه و تصوف وابسته به مولوی در ترکیه، یکی از ده‌ها مورد مشترک در فرهنگ ایران و ترکیه است. ایران و ترکیه دو کشور تاریخی و دموکراتیک، دارای اشتراکات فرهنگی و اجتماعی و دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه می‌باشند که داشتن مرزهای طولانی و باثبات و وجود زمینه‌های همکاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دو کشور و فقدان اختلافات ارضی و مرزی در یک فضای آزاد سیاسی می‌تواند موجب تشکیل اتحادی قدرتمند، از خلیج فارس تا مدیترانه شود (دهقان و حسین‌پور، ۱۳۹۰: ۶۷).

۳- عوامل بیرونی

۱- فرصت‌ها

- موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب در جهان

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران موقعیتی کم‌نظیر در جهان است. کشور ایران مانند سدی سرزمینی در مسیر شرق و غرب جهان قرار دارد. از شمال به دریای خزر و روسیه در همسایگی قطب شمال و از جنوب در اقیانوس هند در که خود در همسایگی قطب جنوب قرار دارد، ساحل دارد. یعنی بیشتر ارتباطات زمینی بین اروپا و خاورمیانه با آسیای مرکزی و جنوبی و شرقی ناگزیر از طریق ایران است. کشور ایران هم به عنوان مبدا انرژی و هم به عنوان معبر انرژی از اهمیت بسیار بالای برخوردار است. بنابراین ایران مناطق سرد شمالی در محدوده روسیه را به آب‌های گرم اقیانوس هند متصل می‌کند و آسیای مرکزی و جنوب آسیا را به خاورمیانه و اروپا متصل می‌کند. از این‌رو باید گفت ایران در منطقه خاورمیانه و جهان موقعیت کم‌نظیری دارد و شاید جز ۵ موقعیت برتر ژئوپلیتیکی جهان باشد.

- حرکت جهان از نظام تک قطبی^۱ به نظام تک-چندقطبی یا چندقطبی

آمریکائیان با طرح تئوری «نظام تک قطبی» خود را فاتح نظام بین‌الملل قبلی و رهبر جهان آینده می‌دانند. آنان معتقدند جهان آینده از نظامی تک قطبی و لیبرال پیروی می‌نماید و حرکت تاریخ به سمت نهادینه شدن این وضعیت خواهد بود؛ اما بازماندگان مغلوب نظام دوقطبی، واحدهای معارض با آمریکا و قدرت‌های نوظهور، متأثر از فرایند

^۱. Unipolar international system

تحولات ارتباطی - اطلاعاتی و قدرت رو به نزول غرب، این تعابیر از نظم جهانی را نمی‌پذیرند و با رفتارهایی واگرایانه در جهت رد این مدعا در تلاش‌اند. یکی از قدرت‌های نوظهور، جهان اسلام است که عمدتاً در سطوح فرهنگی - سیاسی به صورت یک قطب قدرتمند، ظاهر شده است (جهان‌بین و پرتو، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

- سازمان همکاری اسلامی (OIC) و همگرایی سه کشور

یکی از فرصت‌های پیشروی کشورهای اسلامی و بویژه ایران، ترکیه و عراق جهت همگرایی، وجود سازمان همکاری‌های اسلامی است. سازمان همکاری اسلامی، دومین سازمان بین دولتی پس از سازمان ملل متحد است که با عضویت از ۵۷ کشور به گسترش بیش از چهار قاره است. سازمان صدای جمعی جهان اسلام و تضمین برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام در روح ترویج صلح بین‌المللی و هماهنگی میان افراد مختلف جهان است. سازمان بر اساس تصمیم اجلاس تاریخی که در رباط، پادشاهی مغرب در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ برگزار شد به عنوان یک نتیجه از آتش‌سوزی جنایی مسجد الاقصی در اشغال بیت‌المقدس تأسیس شد.

- مسئله فلسطین و همگرایی سه کشور

مسئله فلسطین شاید تنها مسئله پررنگ جهان اسلام است که در برهه‌هایی از تاریخ سبب همگرایی جهان اسلام و عرب شده است. خاطره جنگ‌های اعراب و اسرائیل همیشه به‌عنوان بخشی از تاریخ اشغال‌گری صهیونیسم و دفاع مسلمانان از سرزمین‌های اسلامی در ذهن مسلمانان باقی خواهد ماند. کشورهای ایران، ترکیه و عراق بر روی مسئله فلسطین وفاق نسبی دارند و این مسئله با توجه به مداخلات اسرائیل در مناطق کردی عراق، ترکیه و سوریه، می‌تواند به عنوان یک مسئله جدی‌تر نیز از سوی این کشورها در بعد منطقه‌ای نگریسته شود. بنابراین از جمله فرصت‌های پیشروی همگرایی بین ایران، ترکیه و عراق است.

۲- تهدیدها

- استقرار در منطقه شکننده خاورمیانه

منطقه خاورمیانه که در برگیرنده سه کشور ایران، ترکیه و عراق نیز است، خود به عنوان عنصری در وضعیت واگرایی یا همگرایی این کشورها نقش بازی می‌کند. طبیعتاً ویژگی‌های این منطقه به‌عنوان عوامل مهم ژئوپلیتیکی در روابط سه‌جانبه و دوجانبه بین این سه کشور نقش‌آفرینی می‌کند. منطقه مذکور محل چالش‌ها و تهدیدات بسیاری استف به نحوی که از آن به عنوان یکی از مناطق شکننده جهان در نظریات ژئوپلیتیکی یاد شده است.

- حضور نیروهای خارجی

منطقه خاورمیانه همواره در طول تاریخ محل کشمکش و رقابت قدرت‌های بزرگی بوده که یا از این منطقه سربرآورده‌اند (ایران باستان، اسلام، عثمانی و غیره) یا از مناطق دیگر به این منطقه یورش آورده‌اند (رم باستان، اسکندر، مغول و غیره). در دوره معاصر و ظهور مدرنیسم و استعمار دولت‌های مدرن، خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای مورد طمع این کشورها بود. هرچند آغاز مدرنیسم هم با بروز و پایان جنگ‌های صلیبی در شرق خاورمیانه صورت گرفت. قدرت‌های استعماری مانند پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، فرانسه و روسیه و نهایتاً ایالات متحده آمریکا که هر کدام

¹. Organisation of Islamic Cooperation

در دوره خود با تعریف منافی در خاورمیانه حضور قابل توجهی داشتند. جنگ جهانی دوم و جنگ سرد به رغم جبهه‌بندی بین قدرت‌های بزرگ، دارای زمین بازی گسترده‌ای بود که خاورمیانه بخش مهمی از این زمین بازی بود که در نظریه اسپایکمن نیز به عنوان بخشی از ریملند در نظر گرفته می‌شد. کشورهای خاورمیانه در طول جنگ سرد در دو بلوک شرق و غرب صف‌آرایی کردند و مانند بخشی از پازل بزرگ جنگ سرد در مقیاس جهانی بودند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، نه تنها اهمیت منطقه خاورمیانه کم نشد بلکه به دلیل جریان‌ات اسلام‌گرا و لزوم دسترسی غرب به منابع انرژی و کنترل کشورهایمانند چین، بیشتر نیز شد.

پس از جنگ سرد، سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا تا مدت‌ها معطوف به حمایت و پشتیبانی از حکومت‌های اقتدارگرا اما هم پیمان و حافظ منافع واشنگتن در منطقه بود. حفظ ثبات، به عنوان محور اصلی این رویکرد، شاکله کلی سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا را تشکیل می‌داد. با تقویت و تحرک بیشتر گرایش‌های ضد آمریکایی و وقوع حملات ۱۱ سپتامبر در خاک آمریکا، سیاستمداران کاخ سفید به سمت اتخاذ رویکرد امنیتی بجای حفظ ثبات در منطقه تغییر جهت دادند. به گفته جان گدیس، پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا خود را در «جهانی که به ناگهان خطرناک‌تر شده» یافت (Gaddis, 2004).

- طرح خاورمیانه جدید

آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، طرح خاورمیانه بزرگ را به‌عنوان استراتژی بلندمدت خود در منطقه خاورمیانه برگزیده است. هدف این طرح عبارت است از تغییر ماهیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کل منطقه از طریق پیوند دادن آمریکا، اروپا و خاورمیانه حول مجموعه‌ای از تعهدات. همچنین این طرح ناظر به اهداف امنیتی آمریکاست که یکی از اصلی‌ترین اهداف اجرایی آن، حمایت از اسرائیل و تأمین امنیت از جمله امنیت اقتصادی این رژیم می‌باشد. مسلماً اسرائیل به عنوان دولتی که مشکلات بسیاری را فراروی خود می‌بیند، تنها از طریق رابطه اقتصادی با ایالات متحده نمی‌تواند سیستم اقتصادی پویایی داشته باشد و نیازمند برقراری روابط اقتصادی با دیگر کشورها از جمله همسایگان خود در خاورمیانه است. ایالات متحده نیز در راستای طرح امنیت اقتصادی اسرائیل که در چهارچوب کلی‌تر خاورمیانه بزرگ قابل توجیه است، به دنبال ایجاد روابط حسنه اقتصادی و سیاسی میان اسرائیل و سایر کشورهای خاورمیانه‌ای است. اصول توسعه، اصولی ثابت و علمی است و اساس آن بر بومی بودن الگوهای توسعه، احتیاج داشتن به زمینه‌ها و استانداردهای اجتماع برای نیل به سوی توسعه و داشتن برنامه‌های در تمامی زمینه‌هاست (معین‌الدینی، ۱۳۸۶: ۶۱). اما در این راستا کاهش وزن کشورهای بزرگ خاورمیانه مانند ایران، ترکیه و عربستان و نیز کشورهایی مانند عراق و سوریه برای غرب ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو در نقشه خاورمیانه بزرگ این کشورها در برنامه تجزیه قرار گرفته‌اند.

- رقابت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عراق

به صورت کلی سه کشور ایران، ترکیه و عراق دارای اختلافات و رقابت‌هایی در طول تاریخ بوده‌اند. بزرگترین این مسائل را می‌توان در جنگ‌های ایران و عثمانی در قرن‌های گذشته و جنگ هشت ساله ایران و عراق و نیز تنش شدید ایران و ترکیه بر سر عراق و سوریه و همراهی عراق با ایران در این مسئله دانست. در حال حاضر ایران و

عراق دارای همگرایی نسبی هستند و ترکیه دارای رقابت‌هایی در حوزه‌های مختلف با ایران و عراق است. این رقابت‌های منطقه‌ای که گاه موجب بهره‌براری بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی رقیب می‌گردد، جزء تهدیدات مهم در روند همگرایی بین کشورهای مذکور به حساب می‌آید.

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

به طور کلی می‌توان گفت که در روابط این سه کشور نقاط مثبتی وجود دارد که ریشه در جغرافیای سه کشور دارد و برخی نقاط مثبت و همگراساز نیز تابعی از محیط منطقه‌ای و بین‌المللی این سه کشور است. عوامل تهدیدزا و منفی نیز شامل عوامل داخلی و خارجی است که مجموعاً ضعف‌ها و تهدیداتی را متوجه روابط سه کشور نموده است. در این بخش سعی شده براساس شاخص‌های چهارگانه مذکور (قوت، ضعف، فرصت و تهدید)، به ارائه راهبردهایی در قالب مدل یا همان الگوی راهبردی سوات (SWOT) پرداخته شود.

جدول ۱: عوامل بیرونی و درونی در الگوی همگرایی ایران، ترکیه و عراق (SWOT)

عوامل بیرونی	عوامل درونی	فهرست فرصت‌ها (O)	فهرست ضعف‌ها (W)	فهرست قوت‌ها (S)
T1- استقرار در منطقه شکننده خاورمیانه	W1- اختلافات مذهبی و قومی	O1- موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب در جهان	W2- اختلافات در ایدئولوژی	S1- نیاز متقابل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی
T2- حضور نیروهای خارجی	W3- حکومت	O2- حرکت جهان از نظام تک قطبی به نظام تک-چندقطبی یا چندقطبی	W4- مسئله کردها	S2- همجواری
T3- طرح خاورمیانه جدید	W5- محیط‌زیست و هیدروپلیتیک	O3- سازمان همکاری اسلامی (OIC)		S3- اشتراکات فرهنگی و تاریخی
T4- رقابت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عراق		O4- مسئله فلسطین		

منبع: یافته‌های پژوهش

۱- عوامل درونی (داخلی)

هدف این مرحله سنجش محیط داخلی (درونی) سه کشور ایران، ترکیه و عراق و روابط بین ۳ کشور جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف، یعنی جنبه‌هایی است که در راه دستیابی به اهداف همگرایی زمینه‌های بازدارنده یا مساعد دارد. از این رو قابلیت‌ها و منابع مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان نقاط قوت و ضعف تقسیم‌بندی گردید و به هر کدام از موارد رتبه و وزن نرمال در وضع موجود اختصاص یافت.

جدول ۲: رتبه و وزن نرمال نقاط قوت اثرگذار در الگوی همگرایی ایران، ترکیه و عراق (IFE)

ردیف	نقاط قوت (S)	میانگین رتبه وزن موجود (بین ۰-۴)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
۱	نیاز متقابل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی	۴	۰/۲	۰/۸
۲	همجواری	۳/۸۲	۰/۱۷	۰/۶۵
۳	اشتراکات فرهنگی و تاریخی	۳	۰/۱۳	۰/۳۹
مجموع (IFE)				۱,۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳: رتبه و وزن نرمال نقاط ضعف اثرگذار در الگوی همگرایی ایران، ترکیه و عراق (IFE)

ردیف	نقاط ضعف (W)	میانگین رتبه وزن موجود (بین ۰-۴)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
۱	اختلافات مذهبی و قومی	۳	۰/۰۵	۰/۱۵
۲	اختلافات در ایدئولوژی حکومت	۳/۲	۰/۰۶	۰/۱۹
۳	ترویزم قومی و مذهبی	۳/۷	۰/۱۱	۰/۴۰
۴	مسئله کردها	۴	۰/۱۵	۰/۶
۵	محیط‌زیست و هیدروپلیتیک	۳/۹	۰/۱۳	۰/۵۰
مجموع (IFE)				۱,۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۲- عواملی بیرونی (خارجی)

هدف این مرحله بررسی آثار محیط بیرونی جهت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهایی ژئوپولیتیکی است که کشورهای ایران، ترکیه و عراق در مسیر همگرایی و روابط خود با آن مواجه است. بنابراین براساس مطالعات انجام شده و بررسی وضعیت محیط پیرامون منطقه و جهان، مجموعه فرصت‌ها و تهدیدهای موجود و موثر بر همگرایی منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و به هر کدام از موارد رتبه و وزن نرمال اختصاص یافت.

جدول ۴: رتبه و وزن نرمال عوامل بیرونی (فرصت‌ها) اثرگذار در الگوی همگرایی ایران، ترکیه و عراق (EFE)

ردیف	فرصت (O)	میانگین رتبه وزن موجود (بین ۴-۰)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
۱	موقعیت ژئوپولیتیکی مناسب در جهان	۴	۰/۱۸	۰/۷۲
۲	حرکت جهان از نظام تک قطبی به نظام تک-چندقطبی یا چندقطبی	۳/۸	۰/۱۴	۰/۵۳
۳	سازمان همکاری اسلامی (OIC)	۲/۸	۰/۰۷	۰/۲
۴	مسئله فلسطین	۳/۳	۰/۱۱	۰/۳۶
مجموع (EFE)				۱/۸۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵: رتبه و وزن نرمال عوامل بیرونی (تهدیدها) اثرگذار در الگوی همگرایی ایران، ترکیه و عراق (EFE)

ردیف	تهدید (T)	میانگین رتبه وزن موجود (بین ۴-۰)	وزن نرمال	حاصل ضرب وزن نرمال در رتبه (امتیاز وزن دار)
۱	استقرار در منطقه شکننده خاورمیانه	۴	۰/۱۴	۰/۵۶
۲	حضور نیروهای خارجی	۳/۸	۰/۱۲	۰/۴۶
۳	طرح خاورمیانه جدید	۳/۹	۰/۱۳	۰/۵۰
۴	رقابت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عراق	۳/۷	۰/۱	۰/۳۷
مجموع (EFE)				۱/۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۶: وضعیت امتیاز عوامل داخلی و خارجی اثرگذار بر در الگوی همگرایی

عوامل داخلی		عوامل خارجی	
نقاط قوت	نقاط ضعف	فرصت‌ها	تهدیدها
۱/۸۴	۱/۸۴	۱/۸۱	۱/۸۹
$\Sigma S+W= 3.68$		$\Sigma O+T= 3.7$	

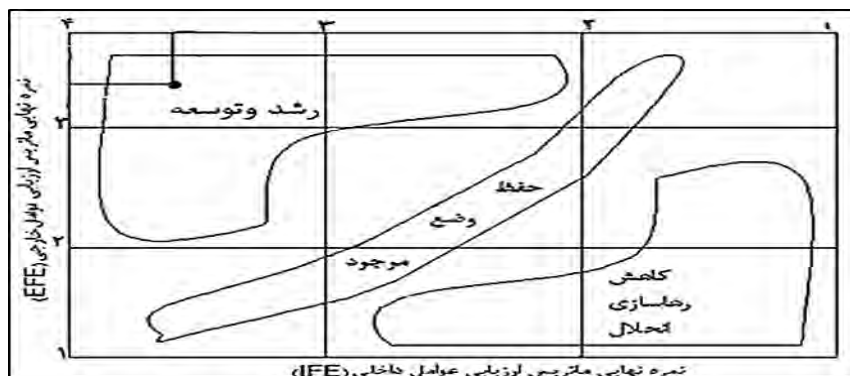
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۷: جمع عوامل داخلی و خارجی اثرگذار در الگوی همگرایی

جمع عوامل داخلی	جمع عوامل خارجی
۳/۶۸	۳/۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه $\Sigma S + W < \Sigma T + O$ است، بنابراین استراتژی‌های پیشنهادی در این مرحله، رشد و توسعه است.



شکل ۱: ماتریس نهایی داخلی و خارجی (IE)

منبع: یافته‌های پژوهش

استراتژی یا راهبردهای رشد و توسعه به این معنا است که اولویت با راهبردهای پیش‌برنده و تهاجمی است. یعنی اینکه به جای تعدیل و بازاندیشی یا تغییر رویه یا اتخاذ رویه تدافعی، باید به سمت شکوفایی ظرفیت‌ها (قوت‌ها و فرصت‌ها) حرکت کنیم.

این امر به معنای شرایط و ظرفیت‌های نسبتاً مناسب در روابط بین سه کشور در بحث قوت‌ها و فرصت‌ها علیرغم ضعف‌ها و تهدیدهای موجود است. بنابراین در این رساله راهبردهای اولویت‌دار همان راهبردهای تهاجمی و مبتنی بر رشد و توسعه هستند. البته این به معنای اتخاذ سایر راهبردها نیست. بلکه اولویت زمانی و مکانی با راهبرد رشد و توسعه است که به کمک سایر راهبردها در جهت توسعه و رشد روابط سه کشور و همگرایی منطقه‌ای آن‌ها باید به کار گرفته شوند. باید توجه جدی داشت که خروجی این رساله تنها مبتنی بر راهبرد رشد و توسعه نیست؛ بلکه همانطور که در ادامه ذکر شده نگارنده ۵ دسته استراتژی که مجموعاً به تعداد ۲۰ راهبرد است را تدوین کرده که خروجی کلی رساله است. مرحله بعدی در تکنیک سوات، تعیین راهبرد های حاصل از تجزیه و تحلیل عوامل درونی و بیرونی با توجه به رتبه و وزن نرمال آن‌ها است تا راهبردهای مناسب هر یک از بخش های ST، WO، SO، WT را پیشنهاد نماییم. به طور کلی این راهبرد ها بیانگر موارد زیر هستند:

جدول ۸: ماتریس SWOT

اهداف کیفی: حرکت		نقاط قوت	
به سمت همگرایی منطقه‌ای		نقاط ضعف	
توسعه	راهبردهای تهاجمی/رقابتی (SO):	راهبردهای بازنگری/تغییر جهت هوشمندانه (WO)	
	SO1- بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی مناسب جهت تقویت جایگاه ژئواکونومیکی و تأمین نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی یکدیگر	WO1- کاهش و تعدیل اختلافات قومی و مذهبی و ایدئولوژیک بین کشورهای مذکور از طریق تأکید بر فرصت‌های ناشی از موقعیت ژئوپلیتیکی سه کشور	
	SO2- بهره‌گیری از ویژگی همجواری و اشتراکات تاریخی و فرهنگی در جهت تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی هر سه کشور در منطقه و جهان	WO2- بهره‌گیری از مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی به جای کارویژه های سرزمینی مخرب محیط‌زیستی مانند سدسازی‌های عظیم در ترکیه، در جهت توسعه و امنیت پایدار منطقه‌ای	
	SO3- بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی و تاریخی و مسائل مشترک مانند مسئله فلسطین جهت تقویت روابط فی‌مابین	WO3- بهره‌گیری از تغییرات در نظام تک‌قطبی با محوریت آمریکا در جهت مبارزه بومی منطقه‌ای یا تروریزم قومی و مذهبی و تهدیدات ناشی از مسئله کردی	
		WO4- بهره‌گیری از مسئله فلسطین و ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی در جهت تعدیل اختلافات قومی، مذهبی	
		WO5- بهره‌گیری از ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی در جهت شکل دادن به تشکیلاتی برای حل مسائل محیط‌زیستی بین ۳ کشور و همچنین کشور سوریه	
تهدید	راهبردهای تنوع (ST):	راهبردهای تدافعی (WT):	
	ST1- بهره‌گیری از مزیت‌های متقابل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، همجواری و اشتراکات فرهنگی و تاریخی در جهت تقویت همکاری‌ها و کاهش رقابت‌ها	WT1- عدم ورود به رقابت‌های قومی، مذهبی و محیط‌زیستی که نتایج بحرانی برای کشور و حتی منطقه دارد	
	ST2- بهره‌گیری از وابستگی‌های متقابل ژئوپلیتیکی جهت مقابله با طرح‌های تهدیدزایی مانند خاورمیانه بزرگ یا جدید	WT2- اتخاذ استراتژی واحد مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی سه کشور در قبال مسائل کردی در منطقه شکننده خاورمیانه که محل بازیگری بازیگران خارجی با طرح‌هایی مانند خاورمیانه جدید هستند	
	ST3- حرکت در جهت همگرایی منطقه‌ای مبتنی بر واقعیت های ژئوپلیتیکی، همجواری و اشتراکات فرهنگی و تاریخی جهت کاستن از تأثیرات بازیگران خارجی حاضر در منطقه	WT3- تصمیم‌سازی و مبارزه هماهنگ با تروریزم قومی و مذهبی به عنوان تهدید منطقه ای مشترک به جای هماهنگی با بازیگران خارجی	
		WT4- آگاهی سه جانبه از چگونگی انطباق طرح خاورمیانه جدید یا بزرگ بر ضعف‌های داخلی و منطقه‌ای کشورهای ایران، ترکیه و عراق در حوزه اختلافات قومی و مذهبی، تضاد ایدئولوژیک حکومتی، تروریزم، مسائل جدایی‌طلبانه و محیط‌زیستی، جهت اقدام مشترک	

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از تکمیل ماتریس SWOT، از آنجا که به جهت تلاقی عوامل محیطی داخلی و خارجی صرفاً ۴ نوع راهبردی SO، ST، WO، WT به دست آمد، در حالی که ممکن است از تلاقی آنها نیز راهبرد دیگری به دست آید. لذا مجدداً کلیه راهبردهای ۴ گانه و ارتباط آنها با هم‌دیگر، براساس اولویت مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفت تا در نهایت از درون آنها راهبردهای ترکیبی^۱ حاصل شده و ماتریس بهبودیافته SWOT به دست آید که به شرح زیر است.

جدول ۹: ماتریس بهبود یافته (SWOT)

راهبردهای ترکیبی (SWOT)
CS:SW1- ایجاد توافق‌نامه محیط‌زیستی پایدار با توجه به واقعیت وابستگی متقابل ژئوپولیتیکی و همجواری سه کشور و نیز اثرات متقابل تهدیدات محیط‌زیستی برای سه کشور؛
CS:SW2- تأکید بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی به جای اختلافات قومی و مذهبی و تضادهای ایدئولوژیک بین حکومت‌ها
CS:SW3- حل مسائل تروریسم و چالش‌های ناشی از مسئله کردی در قالب روابط همجواری و خارج از مداخله بازیگران خارجی و فرامنطقه‌ای
CS: OT4- تعدیل اثرات شکنندگی ژئوپولیتیکی در منطقه خارومیانه با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپولیتیکی سه کشور در منطقه و جهان
CS: OT5- بهره‌گیری از مسئله فلسطین و ظرفیت سازمان کنفرانس اسلامی در جهت کاهش رقابت‌های منطقه‌ای بین کشورهای مذکور بویژه ایران و ترکیه

منبع: یافته‌های پژوهش

در این مقاله به ذکر عوامل ژئوپولیتیکی داخلی و خارجی و چگونگی اثرگذاری آنها بر همگرایی منطقه‌ای بین سه کشور ایران، ترکیه و عراق پرداخته شده است. عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) به صورت مفصل توضیح داده شد و سپس براساس ارتباط بین عوامل چهارگانه داخلی و خارجی راهبردهای پنج‌گانه استخراج شد. این راهبردها از تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها با یکدیگر استخراج شده است و راهبردهای تهاجمی، بازنگرانه، تنوعی و تدافعی و همچنین راهبردهای ترکیبی را شامل می‌شود. به صورت کلی کشورهای ایران، ترکیه و عراق دارای مزایای ژئوپولیتیکی بسیاری برای یکدیگر هستند و در کنار هم این سه کشور دارای جایگاه ویژه ژئوپولیتیکی نیز می‌باشند. اشتراکات تاریخی و فرهنگی و همجواری و مسائلی از این دست نیز مزید بر همگرایی بین این کشورهاست. همچنین تهدیدات مشترک مانند مسئله کردی و نیز تروریسم و افراط‌گرایی نیز سبب همگرایی این کشورها در طول سالیان زیادی شده است. اما ضعف‌ها و تهدیداتی نیز در روابط این کشورها وجود دارد که بخشی ریشه در جغرافیای این کشورها، بخشی در کنش آنها و بخشی نیز به عنوان عوامل بیرونی در سطح منطقه و جهان می‌باشد. از محاسبه کیفی این عوامل چهارگانه راهبردهای پنج‌گانه مذکور استخراج شدند.

منابع

- جهان‌بین، فرزاد و فتح‌اله پرتو، (۱۳۹۴)، سناریوهای آینده نظام بین الملل و جایگاه جهان اسلام، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۴۳، تابستان، صص ۱۶۸-۱۴۷.
- خلیلی، محسن، هادی صیادی و جهانگیر حیدری، (۱۳۹۱)، پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه پژوهی: ترکیه و ایران)، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۵۶-۳۹.
- دهقان، یداله و مرتضی حسین‌پور، (۱۳۹۰)، نگاهی به روابط رو به رشد ایران و ترکیه در سال‌های اخیر، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.

^۱. Combinatorial Strategies

عسگر خانی، ابو محمد، سیری در نظریه‌های بازدارندگی خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، مجله سیاست دفاعی شماره ۲۵، زمستان ۱۳۷۷ سال

رضایی، مسعود، (۱۳۹۵)، ماهیت رقابت و تعارض ایران و ترکیه در سوریه و عراق، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۱، زمستان، صص ۷۱-۱۰۰.

روزنامه اطلاعات، (۱۳۹۰)، «پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه»، ۲۴ خرداد ۱۳۹۰.

زارع، محمدرضا، (۱۳۸۳)، علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

زیب، رضا، (۱۳۷۶)، روندهای کلان در سیاست خارجی ترکیه: عوامل و موانع، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

سلیمانی، اسداله، (۱۳۹۴/۰۸/۰۸)، رابطه پکک با بازیگران کردی و نفوذ در اقلیم کردستان عراق، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، موجود در: <http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-interviews/146> -رابطه پ-ک-ک-با-بازیگران-

کردی-و-نفوذ-در-اقلیم-کردستان-عراق-گفتگو-با-اسد-اله-سلیمانی-کارشناس-مسائل-عراق، تاریخ بازنمایی: ۱۳۹۷/۱۲/۲۴.

سلیمانی‌اصفهانی، حسین، (۱۳۹۳)، نقش فعالان و گروه‌های اسلام‌گرا در فرایند پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

سلیمی، حسین (۱۳۸۶)، «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۱، سال هشتم، شماره ۳، صص ۵۳-۳۱. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۴)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.

عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل «نظریه‌ها و رویکردها»، تهران: انتشارات سمت.

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت.

محموداوغلی، رضا (۱۳۸۸)، الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، «سازه‌انگاری به عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵، صص ۱۱۳-۱۴۳.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و گفتگوی تمدن‌ها، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۶۸-۴۳.

معین‌الدینی، جواد، (۱۳۸۶)، طرح خاورمیانه بزرگ: الگوهای نوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه‌ای، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۷۸-۶۱.

کولایی، الهه (۱۳۹۰)، زمینه‌های درون نظری و برون نظری تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره ۶، شماره ۹.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۳)، تحلیل سیاست بین‌الملل در چارچوب رویکرد جامعه بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۶ (۱۲)،

https://www.civilica.com/Paper-JR_PLR-JR_PLR-6-12_001.html

Gaddis, John Lewis, (2004), *Surprise, Security, and the American Experience*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

Stein, A (1982), *Coordination and Collaboration: Regimes in an Anarchic World*, *International Organization*, Vol. 36, No. 2, International Regimes (Spring, 1982), pp. 299-324.

Haas, E. B. (1958) *The Uniting of Europe: Political, Social, and Economic Forces 1950-57*, Stanford, CA: Stanford University Press.

<https://www.pinterest.com>

<https://slideplayer.com>

<https://www.maps.com>

<http://themechanicredwoodcity.com>

